

حقوق پناهندگان در حقوق بین الملل

میر مهران سید جلیلی سقزچی

دکترای حقوق تجارت بین الملل از دانشگاه نورث وست واشنگتن

چکیده

حقوق پناهندگان در حقوق بین الملل به عنوان یک حوزه تخصصی، مجموعه‌ای از اصول و مقررات است که هدف آن‌ها حمایت از افرادی است که به دلیل تهدیدات جانی، سیاسی، یا اجتماعی مجبور به ترک کشور خود شده‌اند. اسناد کلیدی در این حوزه شامل کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن هستند که حقوق پناهندگان را در برابر خطرات ناشی از آزار و اذیت، شکنجه و تبعیض‌ها محافظت می‌کنند. این اسناد تأکید زیادی بر اصول انسانی و حقوق بشر دارند و در عین حال کشورها را به پذیرش مسئولیت‌هایی در قبال پناهندگان ملزم می‌کنند، از جمله حقوقی همچون عدم اخراج به کشورهای خطرناک و دسترسی به امکانات اساسی مانند بهداشت، آموزش و اشتغال. با این حال، در عمل، اجرای مؤثر این حقوق با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. کشورهای میزبان به‌ویژه در شرایط بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی ممکن است از پذیرش پناهندگان خودداری کنند یا حمایت‌های کافی برای آن‌ها فراهم نسازند. در این زمینه، همکاری‌های بین‌المللی و هماهنگی بین دولت‌ها و سازمان‌های بشردوستانه برای تأمین منابع مالی، کمک‌های بشر دوستانه و اسکان مجدد پناهندگان ضروری است. علاوه بر این، کشورهای پذیرنده باید تدابیر قانونی و اجتماعی مؤثری اتخاذ کنند تا حقوق پناهندگان را در جامعه خود رعایت کرده و از ادغام آن‌ها در جامعه حمایت کنند. نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند اصول حقوقی پناهندگان در سطح بین‌المللی تدوین شده‌اند، اما اجرا و نظارت بر این حقوق نیاز به همبستگی بیشتر در سطح جهانی و تعهد جدی کشورها به مسئولیت‌های انسانی دارد. در این راستا، نیاز است که چالش‌های موجود در پذیرش و حمایت از پناهندگان با همکاری‌های جهانی و نهادهای تخصصی برطرف شود تا نه تنها امنیت و کرامت پناهندگان حفظ گردد، بلکه جامعه بین‌المللی به‌طور مؤثر به بحران‌های پناهندگی پاسخ دهد.

واژگان کلیدی: پناهندگی، حقوق بین الملل

مقدمه

حقوق پناهندگان در حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل حقوقی است که به دنبال تأمین حمایت‌های انسانی برای افرادی است که به دلایل مختلف از کشور خود فرار کرده‌اند. در سطح جهانی، این حقوق عمدتاً تحت نظارت سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی مانند کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) تنظیم می‌شود. اسناد اصلی حقوقی در این زمینه شامل کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن هستند که به‌طور خاص به حقوق پناهندگان و مسئولیت‌های کشورهای میزبان پرداخته‌اند. این کنوانسیون، به‌طور خاص، پناهندگان را به افرادی اطلاق می‌کند که از ترس تعرض به زندگی، آزادی، امنیت یا حقوق انسانی خود از کشور مبدا فرار کرده‌اند و به کشور دیگری پناه برده‌اند. در این چارچوب، یکی از اصول بنیادین حقوق پناهندگان اصل عدم بازگشت اجباری است که به "اصل عدم اخراج" نیز معروف است. این اصل به‌طور صریح در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ذکر شده است و کشورها را ملزم می‌کند که هیچ پناهنده‌ای را به کشوری که خطر تهدید جانی، شکنجه یا مجازات غیر انسانی در آن وجود دارد، بازنگردانند. این امر به‌طور شفاف نشان‌دهنده تعهدات کشورهای عضو در حفظ حقوق پناهندگان و جلوگیری از نقض حقوق بشر است. علاوه بر این، کشورهای میزبان باید به پناهندگان اجازه دهند که زندگی‌ای امن و انسانی داشته باشند و به‌طور معمول از حقوق پایه‌ای مانند حق دسترسی به عدالت، حق کار و حق آموزش برخوردار شوند.

حقوق پناهندگان در حقوق بین‌الملل به‌طور خاص در وضعیت‌های اضطراری و در زمان‌های جنگ و بحران‌های انسانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در چنین مواقعی، سازمان‌های بین‌المللی نظیر کمیساریای عالی پناهندگان و دیگر نهادهای بشردوستانه به سرعت وارد عمل می‌شوند و هدف‌شان فراهم‌آوردن کمک‌های اولیه مانند مواد غذایی، پوشاک، پناهگاه و مراقبت‌های پزشکی است. علاوه بر این، در این موقعیت‌ها، نظام‌های حقوقی کشورها باید امکانات قانونی لازم برای ورود و پذیرش پناهندگان را فراهم کنند تا از یک‌سو به حفظ امنیت آنها و از سوی دیگر به جلوگیری از بحران‌های انسانی بیشتر کمک کنند. یکی دیگر از حقوق مهم پناهندگان در چارچوب حقوق بین‌الملل، حق عدم تبعیض است. طبق اصول حقوق بشر، هیچ‌کسی نباید به دلیل قومیت، مذهب، نژاد، ملیت یا جنسیت از حقوق خود محروم شود. پناهندگان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و باید در تمامی مراحل دریافت پناهندگی از حقوق برابر و شایسته‌ای برخوردار شوند. کشورهای میزبان موظف هستند که بر اساس اصول عدالت و انصاف با پناهندگان رفتار کنند و حقوق آن‌ها را در تمامی ابعاد زندگی روزمره تضمین کنند.

همچنین، پناهندگان باید از حقوق اجتماعی و اقتصادی مشابه با سایرین بهره‌مند شوند. این به این معناست که کشورهای میزبان باید به پناهندگان امکان دسترسی به فرصت‌های شغلی، آموزش، خدمات بهداشتی و دیگر خدمات عمومی را بدهند. در این راستا، برخی از کشورهای میزبان به‌ویژه در مناطق بحران‌زده، ممکن است با چالش‌های زیادی روبه‌رو شوند، اما در عین حال نیاز است که این حقوق به‌طور جدی رعایت شوند تا پناهندگان بتوانند با حفظ کرامت انسانی خود به زندگی ادامه دهند. در کنار حقوق اقتصادی و اجتماعی، یکی از حقوق بنیادین پناهندگان، حق امنیت است. پناهندگان باید در کشور میزبان از حفاظت جسمی و روانی برخوردار شوند و از هر گونه آزار و تهدیدی محافظت شوند. این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال جنگ یا با درگیری‌های داخلی بیشتر به چشم می‌خورد، جایی که پناهندگان ممکن است با خطرات بسیاری روبه‌رو شوند. بنابراین، کشورهای میزبان باید تدابیر ویژه‌ای برای حفاظت از آنها اتخاذ کنند، از جمله تأمین امنیت در کمپ‌ها یا مناطق استقرار پناهندگان و جلوگیری از هر گونه خشونت و تعرض.

مهم‌تر از همه، حقوق پناهندگان به‌عنوان یک مسئله انسانی و جهانی، نیاز به همکاری‌های بین‌المللی و پیوسته دارد. بسیاری از کشورهای جهان بار سنگینی از پذیرش پناهندگان را به دوش می‌کشند، اما برای تأمین منابع و امکانات لازم جهت حمایت

از این گروه‌های آسیب‌پذیر، همکاری‌های جهانی ضروری است. سازمان‌های بین‌المللی مانند UNHCR نقش برجسته‌ای در هماهنگ‌سازی و نظارت بر این امور دارند و در بسیاری از مواقع، کشورهای متعهد به تأمین منابع مالی و مواد بشردوستانه برای حمایت از پناهندگان هستند.

در سطح بین‌المللی، مسائل مربوط به پناهندگان با چالش‌های حقوقی و سیاسی بسیاری روبه‌رو است. برخی از کشورها ممکن است در پذیرش پناهندگان مقاومت نشان دهند و به دلایل سیاسی یا اقتصادی ترجیح دهند که از ورود آن‌ها جلوگیری کنند. این در حالی است که حقوق پناهندگان به‌طور خاص در قوانین بین‌المللی به‌عنوان یک مسئولیت جهانی شناخته شده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی بین‌المللی و اعمال فشار از سوی نهادهای بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در حل‌وفصل بحران‌ها و رعایت حقوق پناهندگان ایفا کند.

در نهایت، مهم‌ترین نکته در رابطه با حقوق پناهندگان این است که این حقوق باید با توجه به تغییرات جهانی و تحولات انسانی به‌طور مستمر مورد بازنگری قرار گیرند. در دنیای امروز، با توجه به بحران‌های متعدد جهانی نظیر جنگ‌ها، تغییرات اقلیمی، و نابرابری‌های اقتصادی، نیاز به یک چارچوب حقوقی قدرتمندتر و کارآمدتر برای حفاظت از پناهندگان ضروری‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. این امر مستلزم همکاری میان کشورهای مختلف، نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی است تا بتوان به‌طور مؤثرتر به نیازهای پناهندگان پاسخ داد و حقوق آن‌ها را در سطوح مختلف حفظ کرد.

سنت پناهندگی و حمایت از پناهنده در حقوق بین‌الملل

بطور کلی باید گفت پیش از شکل‌گیری جامعه ملل، پناهندگی از تاسیس حقوقی مستقلی برخوردار نبوده و در خصوص حمایت بین‌المللی از پناهندگان و توجه جامعه بین‌المللی به آنان نیز تلاش چندانی صورت نگرفت. این پدیده در حقوق داخلی بیشتر ذیل عناوینی مانند استرداد مجرمین، رفتار با بیگانگان و غیره مطرح می‌شده و تاسیس حقوقی مستقلی برای آن وجود نداشت (۱۲۴: Parkash ۱۹۷۱). در نوشته‌های کلاسیک حقوق بین‌الملل نیز مساله پناهندگی بیشتر در بحث حقوق جنگ و قواعد حاکم بر آن مطرح شده است یعنی حق متقاضیان پناهندگی که سعی داشتند از طریق ورود به خاک کشور همسایه خود را از معرکه جنگ دور نگه دارند، به رسمیت شناخته بودند. با این وجود می‌توان گفت که آغاز حمایت و کمک به پناهندگان به زمان تاسیس جامعه ملل برمی‌گردد (موسی زاده - کهریزی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۲).

با پایان جنگ جهانی دوم و پس از تشکیل سازمان ملل متحد، کمیته سوم مجمع که مسئولیت رسیدگی و بررسی موضوعات اجتماعی نوع دوستانه و فرهنگی را بر عهده دارد، قطعنامه ای را در فوریه ۱۹۴۵ در ارتباط با پناهندگان صادر نمود که دنبال این قطعنامه تشکیلاتی در قالب ملل متحد برای حمایت از پناهندگان ایجاد و شروع به فعالیت نمود از جمله سازمان بین‌المللی پناهندگان (۳۱: Sehny ۲۰۰۶). بر همین مبنا و به دنبال توصیه کمیته شورای اقتصادی و اجتماعی، مجمع عمومی در دومین اجلاس خود در سال ۱۹۴۶، "سازمان بین‌المللی پناهندگان" را تاسیس نمود (۱) / Rev ۱۵ Doc E. این سازمان در اجرای وظایفش به بازگشت آوارگان و پناهندگان و زندانیان جنگی در اروپا کمک می‌کرد و وظیفه حمایت و اسکان پناهندگان ساکن اردوگاه‌ها را به عهده داشت. مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۳۱۹، دفتر "کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان" را تاسیس کرد تا مسئولیت پناهندگانی را که در حوزه کاری سازمان بین‌المللی پناهندگان قرار داشتند و نیز مسئولیت کسانی را که مجمع عمومی به آنان واگذار می‌نماید، بر عهده بگیرد کمیسر عالی با توصیه دبیرکل و توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شود (۱) ۴۲۸ G.A.R., Dec ۱۹۵۰, part ۱).

اگرچه در شرایط عادی این مسئولیت دولت است که شهروندان خود را مورد حمایت قرار دهد اما در مورد پناهنده این پیوند شکسته شده است. جامعه بین المللی بواسطه اتخاذ اسناد حقوقی، اراده خود را در جهت جانشین کردن این پیوند گسسته به اثبات رسانیده و این کار را بواسطه تضمینهایی از حداقل موازین رفتار پذیرفته شده، انجام داده است که طبق قانون این تکلیف به کمیسر عالی سپرده شده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۳۹۲-۳۹۰)

اساسنامه اداره کمیسریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان

اساسنامه اداره کمیسریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان که به طور خاص اصول مربوط به «حمایت بین المللی و جستجوی راه حلهای «پایدار برای پناهندگان را ارائه نموده، یکی از منابع مهم حقوق پناهندگان محسوب میگردد. این اساسنامه از یک طرف به تشریح و تبیین نقش کمیسر عالی پناهندگان در زمینه حمایت بین المللی و راه حل های پایدار میپردازد و از طرف دیگر به بیان رابطه میان کمیسر عالی پناهندگان با مجمع عمومی، شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر کارگزارهای تخصصی می پردازد. (Guys Goodwin- Gill, ۱۹۹۸: ۵۶۳)

اعلامیه پناهندگی سرزمینی ۱۹۶۷

این اعلامیه به پیشنهاد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تهیه و در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب مجمع عمومی رسید قطع نامه شماره (۱۲/۳۳) اعلامیه ۱۹۶۷ را نیز می توان از جمله منابع مهم حقوق پناهندگان در نظر گرفت. از جمله نکات پناهندگی سرزمینی این است که مسئولیت اعطای پناهندگی به افراد متقاضی و واجد شرایط و ارائه حمایت بین المللی و امدادرسانی به آنها را بر عهده جامعه بین المللی و نماینده آن؛ یعنی سازمان ملل متحد قرار میدهد همچنین در این اعلامیه عنوان . شود: افرادی که به خاطر نقض اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر حیات، جسم و جان و آزادیشان در معرض خطر باشد از صلاحیت پناه جستن برخوردارند (صفایی، ۱۳۷۴: ۱۰۱).

قطعهنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش بسیار مهم و موثری در توسعه و تحول حقوق بین الملل پناهندگان و حمایت بین المللی از آنها داشته است. قطعهنامه های مجمع عمومی «بدون آنکه مستقیماً تغییری در اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان ایجاد نمایند، دامنه وظایف و مسئولیتهای آن را متحول ساخته اند در حقیقت قطعهنامه های مجمع عمومی را از یک نظر می توان تفسیر و تغییر اساسنامه UNHCR در سایه تحولات بین المللی دانست. برخی دیگر از قطعهنامه های مجمع عمومی نیز در عین حفظ تعریف اصلی افرادی که در حوزه صلاحیت کمیساریا قرار میگیرند عملاً افراد بیشتری را در این حوزه قرار داده اند. این قطعهنامه ها عمدتاً با مفهوم مساعی جمیله» که خصوصاً در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقش بسیار با اهمیتی در فعالیتهای UNHCR داشتند، مرتبط هستند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۲ - ۲۱۱). براین اساس مسئولیت افراد فاقد تابعیت «، «آوارگان و برخی «گروه های خاص ملی یا جغرافیایی» نیز بر عهده کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان نهاده میشود (Mousalli, ۲۰۱۲: ۳۲۶).

مصوبات کمیته اجرایی کمیسریای عالی مل متحد برای پناهندگان

کمیته اجرایی در نشستهای سالانه خود مصوباتی در خصوص مسائل و مشکلات پناهندگان و پناه جویان تحت عنوان تصمیمانه صادر می کند و از این طریق به مسایل مربوط به حمایت از این گروهها میپردازد (Agakhan, ۱۹۷۶:۴۰). هرچند این مصوبات برای کشورها لازم الاجرا نبوده اما از آنجا که نمایندگان تعداد نسبتاً قابل توجهی از کشورها در کمیته عضویت دارند میتوان یک نوع اجماع نظر بین المللی در مصوبات آن مشاهده کرد. همچنین این مصوبات کمبودها و نقایص مربوط به حمایت بین المللی از پناهندگان و پناه جویان را در یک تریبون بین المللی بیان و توجه افکار عمومی جهان را جهت حمایت بیشتر از آنها جلب مینماید (۳۹۷: Achiron, ۲۰۰۱).

اما علاوه بر آنها اسناد حقوق بشری دیگری وجود دارد که حاوی اصول و راهبردهایی برای رفتار با پناهندگان و پناه جویان میباشد: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنوانسیون شماره ۴ از کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان و پروتکل های ۱۹۷۷ الحاقی به آنها معاهده مربوط به اشخاص بی تابعیت ۱۹۵۴ معاهده مربوط به کاهش وضعیت بی تابعیتی، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازاتها و رفتارهای غیرانسانی ۱۹۸۴، کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹ پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ در ارتباط با حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون بین المللی جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوساید) بی رحمانه، کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (۲۰۲: ۲۰۱۱ Munir).

آفریقا

در کنوانسیون ۱۹۶۹ سازمان وحدت آفریقا در مورد جنبههای خاص مسایل پناهندگان آفریقا به تصویب سازمان OAU رسید. کنوانسیون ۱۹۶۹ خود را مکمل کنوانسیون ۱۹۵۱ دانسته، اما تعریف آن از پناهنده وسیع تر از مسایل تعریف مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ است (۱۷۴: ۲۰۱۴ Conde). این کنوانسیون در برخی موارد، واضع قواعد جدیدی بوده که از آن جمله میتوان به مقررات ماده (۳) درباره «ممنوعیت هرگونه عملیات شورشی و ماده (۴) «بازگشت داوطلبانه به «وطن که بطور ویژه امنیت درخواست های پناهندگی و ترویج همبستگی و مسئولیت مشترک دولت ها برای کمک و حمایت از پناهندگان را مورد تاکید خاص قرار می دهد. علاوه بر این کنوانسیون که به طور مستقیم مربوط به مسایل پناهندگان است، اسناد دیگری در سطح قاره آفریقا به تصویب رسیده که می توان از آنها به عنوان منابع حقوق پناهندگان یاد کرد. از جمله: منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و منشور آفریقایی حقوق و سلامت کودک.

اتحادیه اروپا

شورای اروپایی در اکتبر ۱۹۹۹ نشستی را شهر تمپر فنلاند برگزار کرد که بر اساس آن سران اتحادیه اروپایی تصمیم گرفتند تا سیاست مشترکی را در زمینه پناهندگی و مهاجرت به وجود آورند. کمیسیون اروپا در جریان نشست تمپر به این نتیجه رسید که سیاست صفر دیگر جوابگوی برخورد با پدیده پناهندگی نیست و سران دولت ها به طور واضح چارچوب سیاسی را تعریف کردند که در قالب آن خواستار توسعه سیاست مشترک اتحادیه در زمینه مهاجرت و پناهندگی شدند و در این نشست با مسائل برجسته ای موافقت کردند که میتوان مهمترین آنها را بقرار ذیل اشاره کرد: همکاری با کشورهای مبدأ، نظام پناهندگی مشترک اروپایی، رفتار عادلانه با پناهندگان و اتباع کشورهای ثالث (تقی زاده، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

در مجموع اتحادیه اروپایی با درک اهمیت سیاست مشترک در زمینه پناهندگی سعی بر آن دارد تا شیوه‌هایی را اجرا نماید تا به این هدف برسد و برای رسیدن به این هدف در سطح قاره اروپا تاکنون چندین موافقت‌نامه یا قطعنامه راجع به مسایل پناهندگی دگان چارچوب موسسات اروپایی به تصویب رسیده است که عبارتند از: موافقت‌نامه لندن مربوط به صدور اسناد مسافرتی برای پناهندگانی که تحت پوشش کمیته بین‌الدولی پناهندگان باشند «۱۹۴۶».

«کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» ۱۹۵۰»

«کنوانسیون اروپایی الغا ویزا برای پناهندگان» ۱۹۵۹.

موافقت‌نامه اروپایی در ورد انتقال مسئولیت پناهندگان «۱۹۸۳».

«کنوانسیون دوبلین (۱۹۹۴) ۸۸-۱۹۹۸: Guid»

آمریکای لاتین

در یکی از تاسیسات حقوقی در آمریکای لاتین که مدت نسبتاً مدیدی است در این قاره رواج یافته به تاسیس «پناهندگی دیپلماتیک» مشهور شده است. در سال ۱۸۹۹ «کنوانسیون مونته‌ویدئو این تاسیس حقوقی را به رسمیت شناخت. این نوع پناهندگی بیشتر به دلایل سیاسی پذیرفته شده و افرادی را که به سفارت یک کشور خارجی پناه می‌برند را شامل می‌شد. از آن زمان به بعد اسناد دیگری در ارتباط با پناهندگان در آمریکای لاتین برای حمایت از پناهندگان و پناه‌جویان پذیرفته شد، از جمله: معاهده کاراکاس راجع به پناهندگی سرزمینی و اعلامیه کارتاژنا (۱۹۸۴) که تعریف وسیع‌تری از پناهنده نسبت به کنوانسیون ۱۹۵۱ ارائه می‌دهد (۵۱۶-۵۱۴: Prakash ۲۰۰۷).

قوانین حمایتی پناهندگان از منظر حقوق بین‌الملل

قوانین حمایتی پناهندگان در حقوق بین‌الملل به مجموعه‌ای از اصول، مقررات و اسناد بین‌المللی اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها تأمین حقوق و حمایت از افرادی است که به دلایل مختلف از کشور خود فرار کرده و به کشور دیگری پناه برده‌اند. این قوانین به‌ویژه تحت چارچوب سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی مانند کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) تنظیم می‌شود و کشورهای مختلف را به انجام تعهدات خاصی در قبال پناهندگان ملزم می‌کند. این قوانین و مقررات نه تنها بر اصول انسانی بلکه بر مفاهیم حقوق بشر و عدالت نیز استوار هستند. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این زمینه شامل کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن است که به‌طور خاص به حقوق پناهندگان پرداخته و این حقوق را در شرایط مختلف شفاف‌سازی می‌کند.

از مهم‌ترین اصول حقوقی که در این کنوانسیون‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد، اصل عدم بازگشت اجباری یا اصل "عدم اخراج" است که طبق آن هیچ‌کسی نباید به کشوری که در آن خطر آزار و اذیت، شکنجه، یا تهدید جدی به زندگی‌اش وجود دارد، بازگردانده شود. این اصل در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است و یکی از بنیادهای حقوق پناهندگان در حقوق بین‌الملل است. به این ترتیب، کشورهای پذیرنده موظف هستند که از بازگرداندن پناهندگان به کشورهای خود که در آن‌ها تهدیدات جانی و انسانی وجود دارد، خودداری کنند. این اصل به‌ویژه در زمینه جنگ‌ها، خشونت‌های داخلی و نقض گسترده حقوق بشر اهمیت ویژه‌ای دارد و با توجه به تعهدات بین‌المللی، کشورهای پذیرنده نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن امنیت پناهندگان آن‌ها را به کشور مبدا بازگردانند.

همچنین، حق امنیت یکی از اصول بنیادین در حقوق پناهندگان است. پناهندگان باید از حفاظت جسمی و روانی برخوردار شوند و از خطرات احتمالی در کشور میزبان محفوظ باشند. این امر شامل تأمین امنیت در کمپ‌های پناهندگان، جلوگیری از تعرض و خشونت، و ارائه تدابیر حفاظتی برای افراد آسیب‌پذیر از جمله زنان و کودکان است. علاوه بر این، حقوق پناهندگان باید در تمامی جنبه‌های زندگی‌شان رعایت شود، از جمله دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، شغلی و اجتماعی. کشورهای میزبان موظف هستند که شرایطی فراهم کنند که پناهندگان بتوانند زندگی‌ای امن و شایسته با کمترین میزان رنج داشته باشند.

در همین راستا، اصول حقوق بشر نیز به‌طور ویژه در حمایت از پناهندگان مورد توجه قرار می‌گیرند. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری، پناهندگان باید از حقوق بنیادین خود، مانند حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، برخوردار باشند. علاوه بر این، حق دسترسی به عدالت و خدمات قضائی نیز جزو حقوقی است که پناهندگان باید از آن بهره‌مند شوند. به‌طور مثال، در صورت وقوع هر نوع نقض حقوق پناهندگان، آن‌ها باید حق داشته باشند که از طریق نظام قضائی کشور میزبان به پیگیری حقوق خود بپردازند و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند.

قوانین حمایتی پناهندگان همچنین شامل حق دسترسی به آموزش و کار است. در بسیاری از کشورها، پناهندگان پس از ورود به خاک کشور میزبان باید فرصت‌هایی برای تحصیل و توسعه مهارت‌های شغلی خود پیدا کنند. این امر نه تنها به پناهندگان کمک می‌کند که در کشور میزبان به‌طور مستقل زندگی کنند، بلکه به کاهش وابستگی آن‌ها به کمک‌های بشردوستانه و تسهیل فرآیند ادغام در جامعه کمک می‌کند. بنابراین، در بسیاری از کشورها، پناهندگان باید از حق تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها برخوردار باشند و همچنین حق اشتغال را در موقعیت‌هایی مشابه به شهروندان داشته باشند. این حقوق باید تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی و اجتماعی کشور میزبان قرار نگیرد و پناهندگان باید در چارچوب قانونی کشور میزبان از حقوقی مشابه به شهروندان آن کشور برخوردار باشند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم قوانین حمایتی پناهندگان، امکان اعطای وضعیت پناهندگی و اسکان مجدد است. پناهندگان باید حق درخواست پناهندگی را در کشور میزبان داشته باشند و این درخواست‌ها باید به‌طور عادلانه و بر اساس معیارهای بین‌المللی بررسی شوند. پس از ارزیابی وضعیت پناهنده و در صورت تأسیس دلایل قوی برای اعطای پناهندگی، باید این وضعیت به‌طور رسمی به وی اعطا شود. در صورتی که کشور میزبان قادر به ارائه حمایت‌های کافی به پناهندگان نباشد، ممکن است اقدامات دیگری مانند اسکان مجدد یا انتقال به کشور ثالث در نظر گرفته شود. این فرایند باید به‌گونه‌ای باشد که پناهندگان در هر مرحله از درخواست پناهندگی از حمایت‌های حقوقی و انسانی برخوردار شوند.

در کنار این حمایت‌ها، نظارت و نظارت‌های بین‌المللی نیز نقش مهمی در تأمین حقوق پناهندگان ایفا می‌کند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) به‌عنوان نهاد مسئول، نظارت بر اجرای کنوانسیون‌های پناهندگی و حمایت از پناهندگان را بر عهده دارد. این سازمان در همکاری با کشورهای عضو، مسئولیت بررسی وضعیت پناهندگان، تأمین کمک‌های بشردوستانه و نظارت بر اجرای مقررات پناهندگی را به‌عهده دارد. علاوه بر این، دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی نیز باید در سطح ملی و بین‌المللی همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که پناهندگان از حمایت‌های لازم برخوردار هستند و حقوق آن‌ها در تمام مراحل حفاظت رعایت می‌شود.

در مواردی که کشورهای میزبان توانایی پذیرش تعداد زیادی پناهنده را نداشته باشند، نیاز به راه‌حل‌های خلاقانه و همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد. کشورهایی که به‌طور موقت یا دائمی از پناهندگان پذیرایی می‌کنند، باید به کمک‌های

مالی و امکانات لازم از سوی جامعه جهانی دسترسی داشته باشند. این نوع همکاری‌ها می‌تواند شامل تأمین منابع مالی، کمک‌های بشردوستانه، ایجاد زیرساخت‌های لازم و تسهیل روند ادغام پناهندگان در جامعه میزبان باشد. با توجه به چالش‌هایی که بحران‌های جهانی مانند جنگ‌ها، درگیری‌های داخلی و تغییرات اقلیمی به وجود آورده است، قوانین حمایتی پناهندگان باید به‌طور مستمر و هماهنگ با تحولات جهانی بازنگری شوند. تغییرات در نحوه پذیرش و حمایت از پناهندگان در سطوح ملی و بین‌المللی باید به‌گونه‌ای باشد که حقوق پناهندگان به‌طور مؤثرتر رعایت شده و به وضعیت‌های بحرانی پاسخ دهند. در نهایت، تأمین امنیت، کرامت انسانی و عدالت برای پناهندگان نه تنها یک الزام حقوقی است، بلکه یک وظیفه اخلاقی و انسانی است که باید در سطوح مختلف بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

بحث نهایی

در دنیای امروز، بحران‌های انسانی و جنگ‌های متعدد، موجب جابه‌جایی میلیون‌ها نفر از کشورهای خود شده و این افراد به‌عنوان پناهنده در کشورهای مختلف جهان درخواست پناهندگی می‌دهند. در چنین شرایطی، حمایت از پناهندگان نه تنها یک ضرورت انسانی است، بلکه یک مسئولیت بین‌المللی است که بر عهده کشورهای پذیرنده و نهادهای بین‌المللی می‌باشد. حقوق پناهندگان در حقوق بین‌الملل در تلاش است تا با فراهم آوردن چارچوب‌های حقوقی، برای این افراد که زندگی‌شان در خطر است، امنیت، کرامت و حمایت‌های لازم را تأمین کند. کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، که یکی از مهم‌ترین اسناد حقوقی در این زمینه است، به‌طور خاص حقوق و حمایت‌های پناهندگان را برای حفاظت از آن‌ها در برابر آزار و اذیت، تبعیض و بازگشت اجباری به کشور خود به‌وضوح تشریح کرده است.

با این حال، هرچند حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی به‌خوبی تدوین شده، چالش‌های زیادی در مسیر اجرای این حقوق وجود دارد. از یک سو، برخی کشورها به دلیل مسائل اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی قادر به پذیرش یا حمایت مؤثر از پناهندگان نیستند و ممکن است قوانین مربوطه را نادیده بگیرند یا تفسیرهای محدودتری از آن‌ها ارائه دهند. از سوی دیگر، بحران‌های جهانی مانند جنگ‌ها و تغییرات اقلیمی، به‌طور مداوم تعداد پناهندگان را افزایش داده است و این موضوع فشار زیادی به سیستم‌های حمایتی کشورهای مختلف وارد کرده است. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، مشکلاتی همچون تبعیض‌های نژادی، جنسیتی و دینی در مسیر دریافت پناهندگی وجود دارد که باعث می‌شود بسیاری از پناهندگان به حقوق خود دست پیدا نکنند.

در این راستا، همکاری‌های بین‌المللی و مسئولیت مشترک کشورها برای حمایت از پناهندگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حالی که سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) تلاش می‌کنند که نقض حقوق پناهندگان را گزارش کرده و کشورها را به رعایت تعهدات خود ملزم کنند، به نظر می‌رسد که هنوز خلأهایی در اجرای این تعهدات وجود دارد. در بسیاری از موارد، کشورهای پذیرنده به دلیل فشارهای اقتصادی و سیاسی داخلی، از پذیرش پناهندگان خودداری می‌کنند یا شرایط سخت‌تری برای آن‌ها در نظر می‌گیرند که منجر به نقض حقوق این افراد می‌شود.

یکی از مسائل کلیدی در این زمینه، اصل عدم اخراج یا "عدم بازگشت اجباری" است که در کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است. این اصل به‌طور صریح بیان می‌کند که پناهندگان نباید به کشوری که در آن تهدید به جان یا آزادی‌شان وجود دارد، بازگردانده شوند. با این حال، در برخی از کشورهای پذیرنده، به‌ویژه در مناطق با شرایط اقتصادی و سیاسی دشوار، این اصل نادیده گرفته می‌شود و پناهندگان تحت فشار قرار می‌گیرند تا به کشور خود بازگردند. این وضعیت می‌تواند به نقض آشکار حقوق بشر منجر

شود و در مواردی پناهندگان را در معرض خطرهای جدی قرار دهد. این چالش‌ها نیاز به تقویت سازوکارهای نظارتی و حمایت‌های حقوقی دارند تا از حقوق پناهندگان در سطح جهانی محافظت شود.

علاوه بر مسائل مرتبط با پذیرش و بازگشت پناهندگان، یکی دیگر از چالش‌های اساسی، مسئله ادغام پناهندگان در جامعه میزبان است. بسیاری از پناهندگان پس از دریافت وضعیت پناهندگی و آغاز زندگی در کشور جدید، با مشکلاتی مانند دسترسی به شغل، آموزش، بهداشت و خدمات اجتماعی مواجه هستند. این چالش‌ها باعث می‌شود که پناهندگان نتوانند به‌طور کامل در جامعه میزبان ادغام شوند و ممکن است به‌طور غیررسمی در حاشیه جامعه قرار گیرند. ادغام اجتماعی پناهندگان نیازمند اتخاذ تدابیر خاصی است که به آن‌ها اجازه دهد که به‌طور فعال در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور میزبان مشارکت داشته باشند.

در این زمینه، کشورها باید اقدامات مؤثری را در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزشی برای پناهندگان انجام دهند. تأمین خدمات بهداشتی و حمایتی برای پناهندگان نیز باید در دستور کار قرار گیرد تا آن‌ها بتوانند شرایط بهتری را تجربه کنند و از زندگی خود لذت ببرند. به علاوه، پناهندگان باید از حق دسترسی به عدالت و حفاظت قانونی برخوردار باشند. این امر تضمین می‌کند که در صورت وقوع هرگونه نقض حقوق، پناهندگان بتوانند از طریق سیستم‌های قضائی کشور میزبان از خود دفاع کنند و به دنبال حقوق خود باشند.

در سطح بین‌المللی، همبستگی و همکاری میان کشورهای مختلف برای حل بحران‌های پناهندگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سازمان‌های بین‌المللی باید با همکاری کشورهای پذیرنده، راه‌حلی برای توزیع عادلانه پناهندگان پیدا کنند. این امر می‌تواند شامل تقسیم بار پناهندگان میان کشورهای مختلف، تأمین منابع مالی و کمک‌های بشردوستانه و همچنین کمک به کشورهایی باشد که در حال حاضر بیشترین تعداد پناهنده را پذیرش کرده‌اند. با توجه به اینکه بحران‌های پناهندگی عمده‌تر به‌طور ناگهانی و به‌واسطه بحران‌های جهانی رخ می‌دهند، نیاز به واکنش سریع و هماهنگ در سطح بین‌المللی بیش از پیش احساس می‌شود.

چالش‌های اقتصادی و سیاسی نیز بر راه‌حل‌های ممکن تأثیرگذار هستند. بسیاری از کشورها با مشکلات اقتصادی داخلی و نوسانات سیاسی مواجه‌اند که ممکن است بر تصمیم‌گیری‌ها در زمینه پذیرش پناهندگان تأثیر منفی بگذارد. با این حال، یک رویکرد جامع و همکارانه که بر اساس اصول حقوق بشر و انصاف باشد، می‌تواند کمک کند تا این چالش‌ها برطرف شوند. کشورهای پذیرنده باید به مسئولیت‌های بین‌المللی خود پایبند باشند و از اصول حقوق بشر در قبال پناهندگان دفاع کنند.

در نتیجه، اگرچه قوانین حمایتی برای پناهندگان در حقوق بین‌الملل وجود دارد و بسیاری از آن‌ها در اسناد بین‌المللی به‌خوبی تعریف شده‌اند، اجرای این قوانین در عمل هنوز با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. کشورهای پذیرنده، نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی باید همکاری‌های بیشتری داشته باشند تا بتوانند حقوق پناهندگان را به‌طور مؤثرتر تأمین کنند و به بحران‌های بشری پاسخ دهند. تقویت نظارت‌ها، رفع موانع اقتصادی و اجتماعی، و تأمین منابع کافی برای پذیرش و حمایت از پناهندگان، از جمله اقدامات ضروری است که باید در دستور کار جهانی قرار گیرد. در نهایت، احترام به کرامت انسانی و تأمین حقوق پناهندگان نه تنها یک مسئولیت قانونی است، بلکه یک وظیفه اخلاقی و انسانی است که بر عهده تمامی اعضای جامعه جهانی قرار دارد.

منابع

۱. صفایی، جواد، ۱۳۷۴ش، توسعه و تحول حقوق پناهندگان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چ ۱.
۲. صلح چی، محمد علی، ۱۳۹۰ش، اسناد بین المللی، تهران، انتشارات جنگل، چ ۲.
۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۰ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۵ش، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، شرکت سهامی انتشار.
5. Elmadmad , Khadija (2008), Asylum in Islam and in Modern Refugee Law ? , Refugee Survey Quarterly , No 27.
6. Prakash, Sinha (2007) . Asylum and international law. Hague, Martinus Nijhoff
7. Green.L.C (2009) ,Refugee and refugee status,causes and treatment in historical- legal perspective, the refugee problem on universal, regiona and national level, Institute of international relations of tissaloniki.
8. Achiron, Marilyn.A (2001) , Timeless treaty under attack Refugees, volume2. Number 123,UNCHR Geneva.
9. Schnyder, F. (1996), The status of refugees in tnternational law. Sijthoff Leyden, Londen.